

معرفی چند سند تاریخی

سید محمدحسین رضایی

اسناد تاریخی به عنوان سند هویت هر ملتی از ارزش و اعتبار فراوانی در مشخص کردن تکاپوهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنها ایفا می‌نماید. علی‌رغم انتشار فراوان اسناد و مدارک تاریخی و نیز وجود سازمانهای اسنادی فعال در کشور، بخشی از اسناد و در دسترس خانواده‌ها می‌باشد که علاوه بر ارزش خانوادگی اطلاعات مفیدی را در اختیار محققان و پژوهشگران می‌گذارد. مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران ضمن احترام قائل شدن برای میراثهای خانوادگی هم‌میهنان عزیز آمادگی دارد که در زمینه اطلاع‌رسانی به محققان و پژوهشگران مقالات و تصاویر مربوط به اسناد تاریخی را که متعلق به آنان می‌باشد به چاپ برساند. در این شماره خوشبختانه تصویر تعدادی از این اسناد که توسط خانواده محترم رضایی و با توضیحات جناب آقای سید محمدحسین رضایی به دست ما رسیده است به محضر خوانندگان گرامی تقدیم می‌کنیم و ضمن تشکر و قدردانی از پیشگامی خانواده محترم رضایی چشم به راه همراهی و الطاف دیگر خانواده‌های محترم ایرانی به منظور غنا بخشیدن به مطالعات تاریخی هستیم.

[سند شماره ۱]

این طغرا سند از نوع نشان شاهی^۱ است که در اوایل سلطنت شاه اسماعیل صفوی بنیادگذار سلسله صفویه و مروج مذهب شیعه به مرحوم سید جلال‌الدین مهدی^۲ که از سادات بزرگ و جلیل‌القدر و صاحب کرامت نیز بود، اعطا شده است. از آنجا که پادشاهان صفوی از سادات موسوی و از فرزندان امام موسی کاظم(ع) بودند برای سادات در کشور ایران اعتبار خاصی قائل بودند و همواره آنان را تکریم و تمجید

۱. نشان تاه: سندی است که شاه به نزدیکان و وابستگان خود می‌دهد است و دو سطر اول آن کوناه‌تر از سطور دیگر می‌باشد.

۲. سید جلال‌الدین مهدی: از نوادگان سید جلال‌الدین مهدی مدفون در روستای تکیه نظنز و از فرزندان امام محمدتقی(ع) می‌باشند و سید جلال‌الدین مورد بخت، که از صوفیان زمان شاه اسماعیل صفوی بود، در شهرستان دلجان مدفون است.

می نمودند که از جمله این سادات مرحوم سید جلال‌الدین مهدی می باشد. این شخص از وابستگان شاه اسماعیل نیز بوده است.

در این سند تاریخی، علاوه بر تمجید و تکریم از سید جلال‌الدین مهدی، مالکیت^۳ و حاکمیت قسمتهایی از مرکز ایران به ایشان واگذار شده؛ و حاکمان اطراف، از جمله کاشان و قم، می بایستی با ایشان کمال همکاری را به عمل می آوردند. سید جلال‌الدین نه تنها مالیات به خزانه شاه نمی داد بلکه مالیات قسمتهای مذکور نیز به او داده می شد. همچنین از خزانه شاهی در برابر مسئولیتی که به ایشان سپرده شده بود مبلغی به او داده می شد. از ویژگیهای مهم این سند منحصر به فرد بودن آن از جهت وجود مهر گرد در پایین صفحه است که هیچ کدام از موزه های داخل و خارج کشور، از جمله انگلستان و پاریس، چنین نمونه ای را در اختیار ندارند. فقط وجود چنین مهری را فقط در زمان سلطنت شاه اسماعیل روایت کرده اند. ویژگی دیگر این سند، کامل بودن آن است چون تمامی مشخصات یک سند کامل را دارد؛ از جمله، تحمیدیه در بالای صفحه و سپس ذکر نام خدا بعد ذکر نام علی (ع) (یا علی) که به عنوان شعار شیعه اثنی عشری می باشد و سپس لقب شاه ذکر شده است. بعد نقش سند به چشم می خورد و در پایان مهر و تاریخ ۹۱۶ قمری به زبان عربی دیده می شود. در پایین سمت راست توشیح شخص شاه (خط شاه) می باشد که اعتبار خاصی به سند می دهد. تفاوت مهر این سند با مهر دیگر شاه اسماعیل صفوی در چهار چیز است: ۱. مهر پایین صفحه خورده ۲. مهر گرد است ۳. متن مهر آیه الکرسی است ۴. نام جد شاه اسماعیل نیز در آن به این صورت آمده است: اسماعیل بن حیدر بن جنید صفوی که در مهر گلابی نامهای ائمه اطهار ذکر شده و فقط نام پدر شاه اسماعیل آمده به این صورت: اسماعیل بن حیدر صفوی. در هر دو مهر، تاریخ شروع سلطنت او ۹۱۴ قمری می باشد.

[سند شماره ۲]

این طغرا سند هم از نوع نشان شاهی است که قبلاً در سند شماره یک توضیح داده شد.

در این سند تحمیدیه و نام خدا متأسفانه به مرور زمان حذف شده و فقط «یا علی» که شعار شیعه است باقیمانده و لقب شاه اسماعیل صفوی نیز باقی است. این سند یک خط در میان با مرکب چین و آب طلا نوشته شده و در آن ضمن تکریم و تمجید از سید

۳. مالکیت: در زمان صفویه مالکیت به صورت تیولداری بوده که پس از قاجاریه و در زمان پهلوی اول منسوخ شد و او تمامی اسناد تیولداری را باطل اعلام نمود.

جلال‌الدین مهدی به مالیاتهای محل و شهرهای اشاره شده است بدین ترتیب که کلانتران و والیان باید همگی با سید جلال‌الدین مهدی همکاری نمایند و هیچ‌یک از حاکمان محلی حق ندارد از او مالیات بگیرد و باید مالیاتها را به او پرداخت کند؛ و هیچ‌کس حق تخطی از این فرمان را ندارد همچنین در این سند از سید جلال‌الدین مهدی به عنوان فردی که صاحب امدادهای غیبی بوده نام برده شده به طوری که شاه اسماعیل در کلیه امور از امدادهای غیبی ایشان بهره‌مند بوده است. چنانکه از متن سند برمی‌آید سید جلال‌الدین مهدی از افراد بسیار نزدیک و منسوبان شاه بوده و به طور مستمر در دربار حضور فعال داشته است. در پایان سند تاریخ ۹۱۷ قمری نوشته شده و در حاشیه کناری آن توشیح شخص شاه به خط خودش با کلمه (ختم) می‌باشد که به معنای پایان و تأیید سند است این دستخط شاه باعث اعتبار سند و فرمان است. لازم است توجه داشته باشیم که در کلیه اسناد دوره صفویه کلمات «شاهانه»، «خسروانه»، «ملوکانه»، «همایون» و کلمات دیگری از این قبیل باید به دست خود شاه نوشته می‌شده و یا با اجازه شاه و در حضور و با نظارت مستقیم او نوشته می‌شده است. همچنین باید دانست در زمان صدور سندهای شماره ۲ و ۱ سید جلال‌الدین مهدی در قید حیات بوده است.

مهر گلابی این فرمان متبرک به اسامی چهارده معصوم (علیهم‌السلام) می‌باشد.

[سند شماره ۳]

این طغرا سند از نوع فرمان می‌باشد که متأسفانه تحمیدیه، نام خدا «یا علی»، و لقب شاه در آن سند موجود نیست و فقط تاریخ آن است که مشخص می‌کند سند مربوط به دوره شاه طهماسب صفوی است. سند با عبارت «فرمان همایون شد» شروع می‌شود. در این سند از فرزندان مرحوم سید جلال‌الدین مهدی نامبرده شده و محدوده تیول آنان جوشقان در جنوب شرق دلیجان، نطنز و کاشان در شمال شرق و گلپایگان در جنوب و قم در شمال شهر دلیجان ذکر شده. در این سند مطابق اسناد ۲ و ۱ از فرزندان و خود سید جلال‌الدین تمجید و تکریم شده است. همچنین، در این‌گونه سندها هم نام و لقب شاه به دست خود شاه و یا با حضور خود شاه و نظر مستقیم او نوشته می‌شده است؛ زیرا نوشتن این کلمات به دست افراد حتی افراد خانواده سلطنتی توهین به شخص شاه بوده است.

در پایان، تاریخ نگارش سند ۹۵۶ قمری ذکر شده است.

[سند شماره ۴]

این طغرا سند فرمانی است که در زمان شاه صفی اول پسر شاه طهماسب و پدر شاه عباس کبیر صادر شده و در آن مانند اسناد قبلی از فرزندان مرحوم سید جلال‌الدین مهدی و خود او تعریف شده. متن سند هم مثل اسناد قبل مربوط به تیولداری اجداد سادات رضوی دلیجان است. این سند در دو مقطع سالهای ۱۰۴۵ و ۱۰۴۴ تنظیم شده. آنچه در این سند قابل تأمل است طرز تنظیم آن است. در این سند مانند اسناد قبل بجز تحمیدیه همه موارد رعایت شده؛ اما شکل آن فرق می‌کند، مثلاً شعار شیعه با آوردن اسامی ائمه اطهار علیهم‌السلام در اطراف مهر، و در وسط نام شاه که نوشته شده (هست از جان غلام شاه صفی ۱۰۳۸).

در این سند اشاره شده که نزدیک به یکصد نفر از سادات در جنگ شهید شده‌اند که همه احتمالاً از وابستگان مرحوم سید جلال‌الدین بوده‌اند؛ اما مدرکی در دست نیست که در چه جنگی این افراد شهید شده‌اند. احتمال دارد در جنگ چالدران شهید شده باشند چون در اواسط سلطنت شاه طهماسب به بعد تقریباً جنگ قابل ذکری بین دولت ایران و دولتهای مجاور درنگرفته بود. در متن سند اشاره شده مقرری جهت خانواده این شهیدان در نظر گرفته شده که به آنان پرداخت شود.

موضوع قابل بررسی در این سند توشیح شاه به خط خودش در سمت راست بالای صفحه با عبارت (شاه بابام اتارالله برهانه) می‌باشد که رسمیت به سند داده و موجب اعتبار سند است. این عبارت به منزله تأیید سند قبلی و متن آن است و در آن ضمن احترام به سند پدر، که سند شماره (۳) می‌باشد باعث اعتبار آن هم می‌شود. در پایان تاریخ ۱۰۴۵ قمری قید شده است.

[سند شماره ۵]

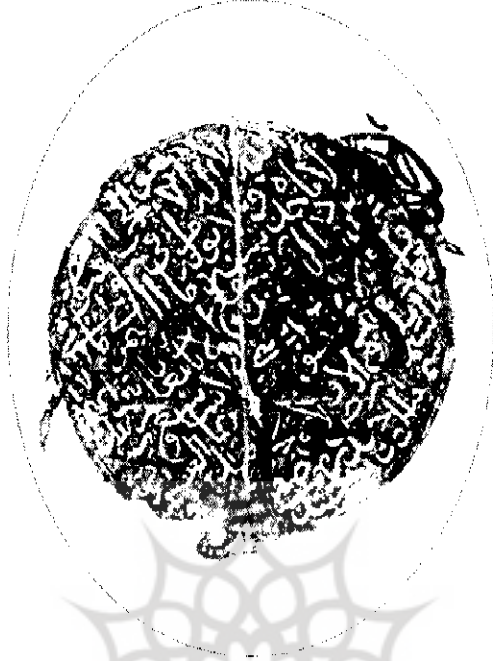
این طغرا سند مربوط به دوران سلطنت (حکومت) علیمرادخان زند آخرین حاکم سلسله زندیه است که شامل سه قسمت می‌باشد. متأسفانه یک قسمت آن مفقود شده است؛ اما قسمت مهم آن که مهر و تاریخ تنظیم سند است با قسمتی از مطالب قابل خواندن است.

در این سند که در مؤید اسناد قبلی است که تأییدیه سلسله زندیه است بر اسناد دوره صفوی متعلق به سید جلال‌الدین مهدی. در این سند مانند اسناد زمان صفویه بر حقوق و شأن فرزندان سید جلال‌الدین مهدی تأکید شده و مقرری و مستمری در مورد آنان در نظر گرفته شده است. مهر این سند چهارگوش است و در وسط آن نام علیمرادخان زند به

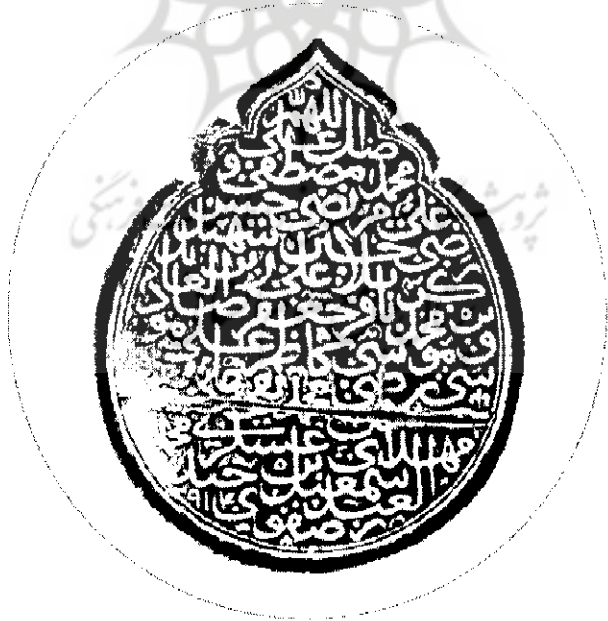
صورت (عبدالراجی علیمراد) آمده، در اطراف آن سوره توحید نوشته شده و در کنار آن تاریخ کتابت سند ۱۱۹۶ قید شده است.

در بین اسناد بجا مانده از سید جلال‌الدین مهدی و فرزندان وی از دوره افشاریه سندی وجود ندارد. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه نادرشاه افشار در اذهان عمومی سیاستی غیرشیعی پیشه کرد به همین دلیل فرزندان سید جلال‌الدین تمایلی به نزدیکی به دربار افشار نداشتند. علت اینکه هیچ‌گونه سندی از افشاریه نداریم همین موضوع بوده است.

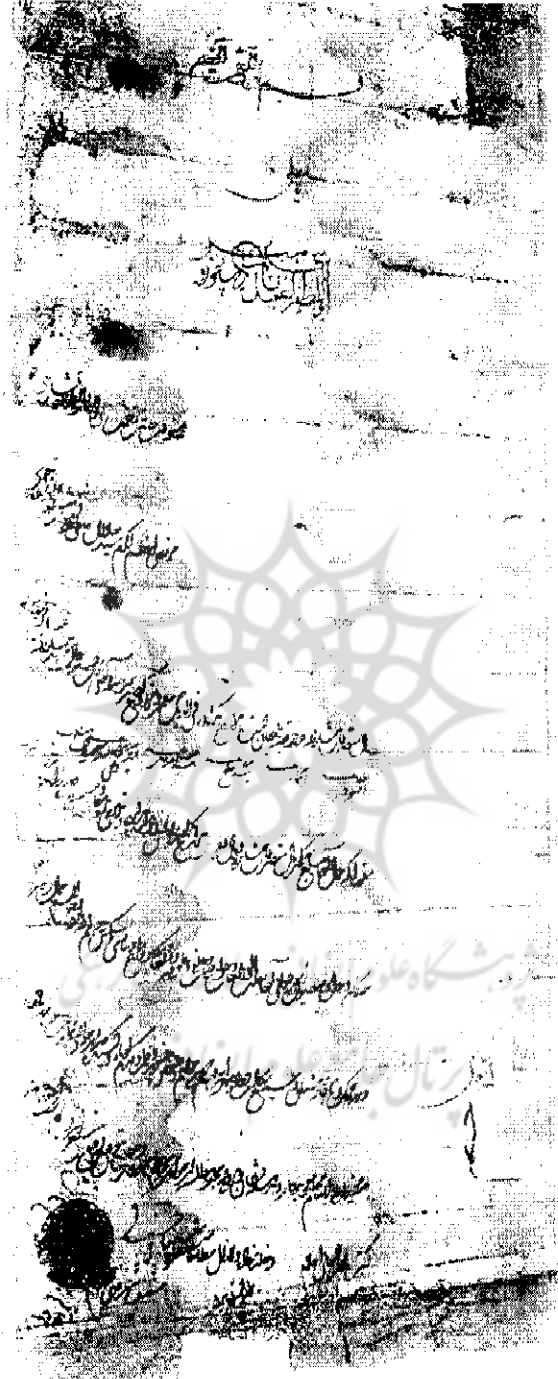
نکته دیگر در مورد این سند این است که در آغاز آن به خط درشت نوشته شده «حکم والا شد» و دلیل آن این است که شاهان زند خود را در برابر شاهان صفویه شاه نمی‌دانستند، اصلاً اظهار وجود نمی‌کردند و خود را کوچک‌تر از آن می‌دانستند که خود را شاه بنامند و این به خاطر ارادتی بود که به شاهان صفوی داشتند. بنابر همین اصل خود را وکیل‌الرعیایا یا حاکم و یا والی می‌خواندند و در احکام به شاه بودن خود اشاره نمی‌کردند. لازم است اضافه شود چون علیمرادخان زند همواره در جنگ با دشمنان خارجی بود مجالی برای کارهای متفرقه نداشت. به همین دلیل اسناد باقیمانده با مهر او بسیار نادر است. فکر می‌کنم با این سند جمعاً دو فقره سند بیشتر در کشور وجود نداشته باشد. در کشورهای خارجی هم موجود نیست.



مهر سند شماره ۱



مهر سند شماره ۲



که چون سرافرازی است در راه سعادت و سعادت الهی است و در این جهان فتنه کار است
 و آنچه در پیشگاه او است از این عالم است و در این عالم است و در این عالم است
 پس در این عالم است و در این عالم است و در این عالم است
 سرکار و این عالم است و در این عالم است و در این عالم است
 احکام و این عالم است و در این عالم است و در این عالم است
 و اگر در این عالم است و در این عالم است و در این عالم است
 و در این عالم است و در این عالم است و در این عالم است
 سرکار و این عالم است و در این عالم است و در این عالم است
 پس در این عالم است و در این عالم است و در این عالم است
 و در این عالم است و در این عالم است و در این عالم است
 سرکار و این عالم است و در این عالم است و در این عالم است
 و در این عالم است و در این عالم است و در این عالم است



سند شماره ۲

به نام تصویرگر هستی

ایران از نگاه دوربین سیاحان و مأموران خارجی

موسی حقانی

ایران به عنوان کشوری مهم همواره مورد توجه دول خارجی و سیاحان بوده است. ماحصل سفر مأموران خارجی و سیاحان به ایران را از لحاظ نوشتاری می‌توان در سفرنامه‌ها و گزارشات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آنان که بعضاً عاری از کج‌بینی و غرض‌ورزی نیست مشاهده کرد. برخی از این آثار مزین به نقاشی‌های زیبایی از شهرها، اماکن، مناظر، رجال، مردم و حیات اجتماعی ایرانیان می‌باشد که به نحوی بیانگر وضعیت حیات و آثار ایرانیان در ابعاد مختلف می‌باشد. نقاشیهای بجا مانده از اوژن فلاندن، پاسکال کست، ژان دیولافوا و... نمونه‌هایی از این دست می‌باشد که در آثار و خاطرات آنان درج شده است. با اختراع دوربین، ثبت مناظر به وسیله این دستگاه که حسن آن ضبط تصویر اشیاء و اماکن و... «همان‌گونه که هستند» می‌باشد مرسوم شد و رفته‌رفته گسترش یافت. حبس دوربین در حصار کساخهای شاهان و دولتمردان و شاهزادگان چندان نپایید و نگاه تیزبین دوربین متوجه اقشار، اماکن، و وقایع مختلف شد. امروزه آثار بجا مانده از عکاسان خارجی و ایرانی نظیر آنتوان خان سوربوکین، ریشارخان، عبدالله خان قاجار و... اطلاعات ارزنده‌ای را از دوره قاجار در اختیار پژوهشگران تاریخ معاصر قرار می‌دهد که بیانگر زوایای مختلف زندگی ایرانیان در آن دوره می‌باشد. عبدالله خان قاجار با تصویربرداری از مناطق مرزی، ایلات و عشایر و... دوربین را از دربار و مجالس رجال درباری خارج نمود و جنبه‌ای عمومی به آن بخشید. با وقوع نهضت مشروطیت این روند گسترش یافت و نگاه دوربینهای عکاسی متوجه اجتماعات مردمی، جنگها، تظاهرات، محافل و مجالس عمومی شد که حاصل آن وجود هزاران عکس از شخصیتها، اماکن و وقایع مختلف می‌باشد که برخی از آنها در منابع تاریخی به چاپ رسیده است.